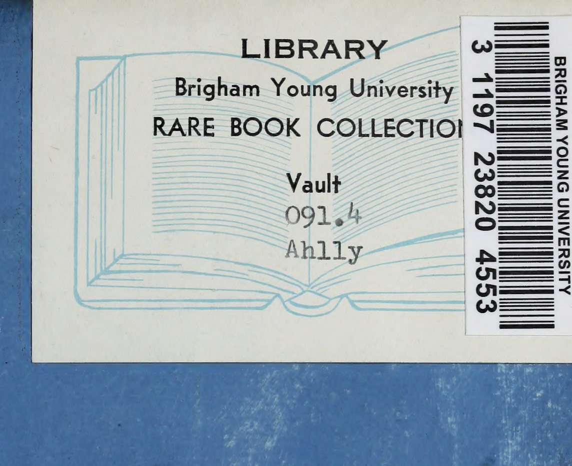
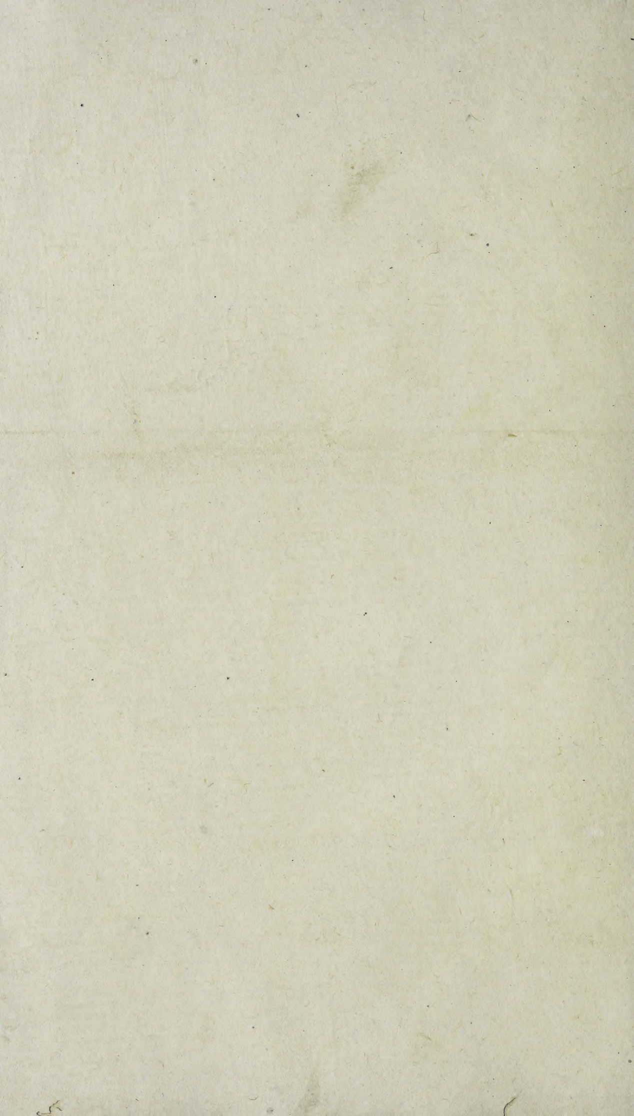


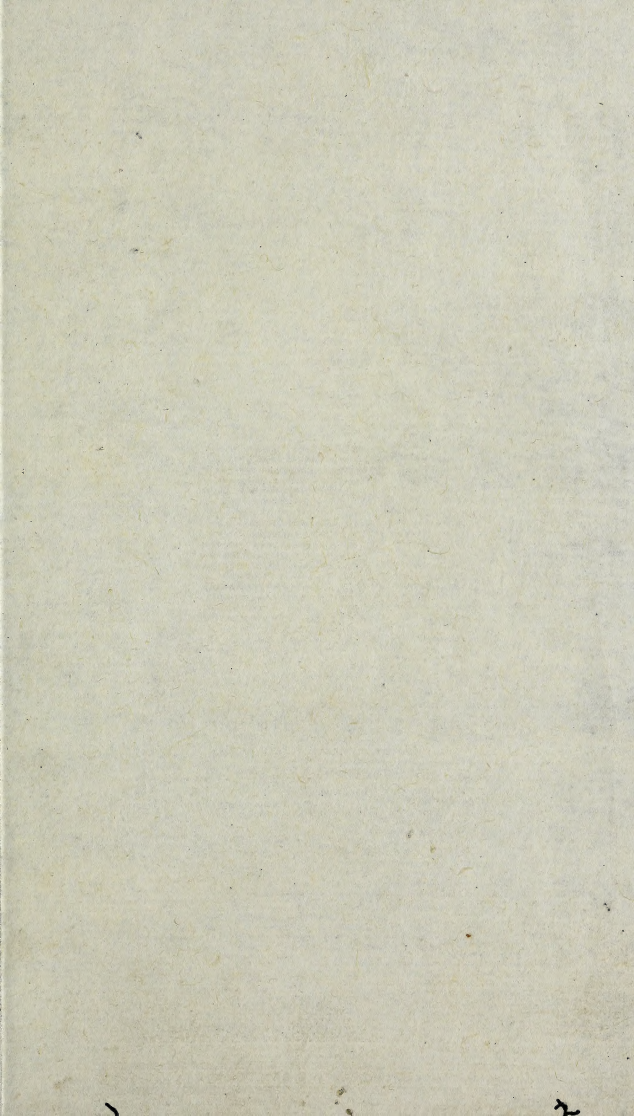


LIBRARY
Brigham Young University
RARE BOOK COLLECTIO
Vault
091.4
Ahlly
3 1197 23820 4553
BRIGHAM YOUNG UNIVERSITY



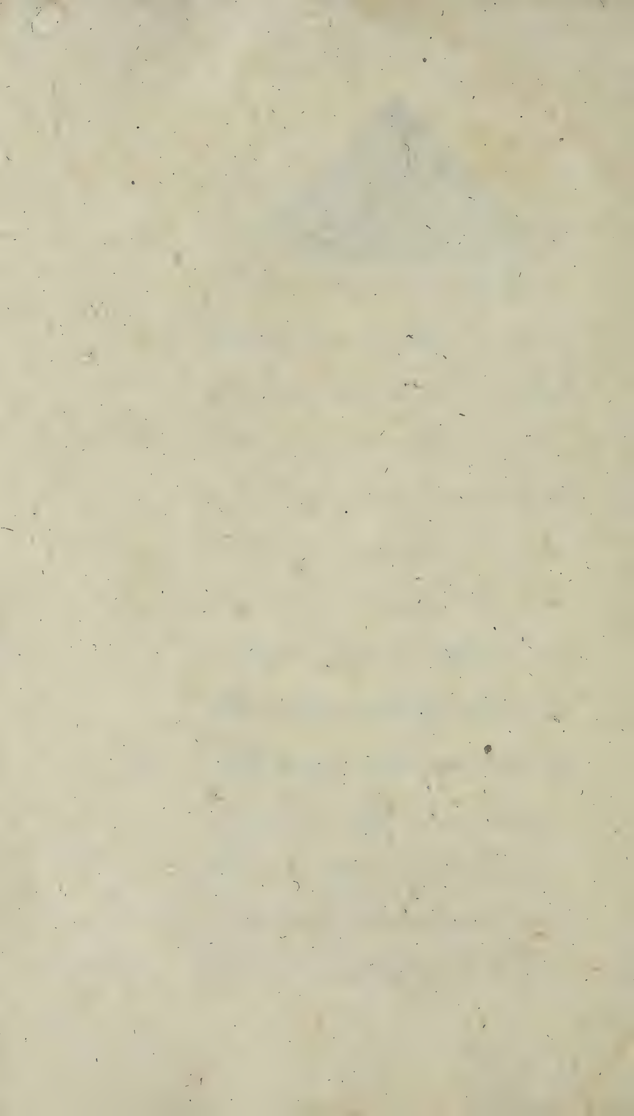


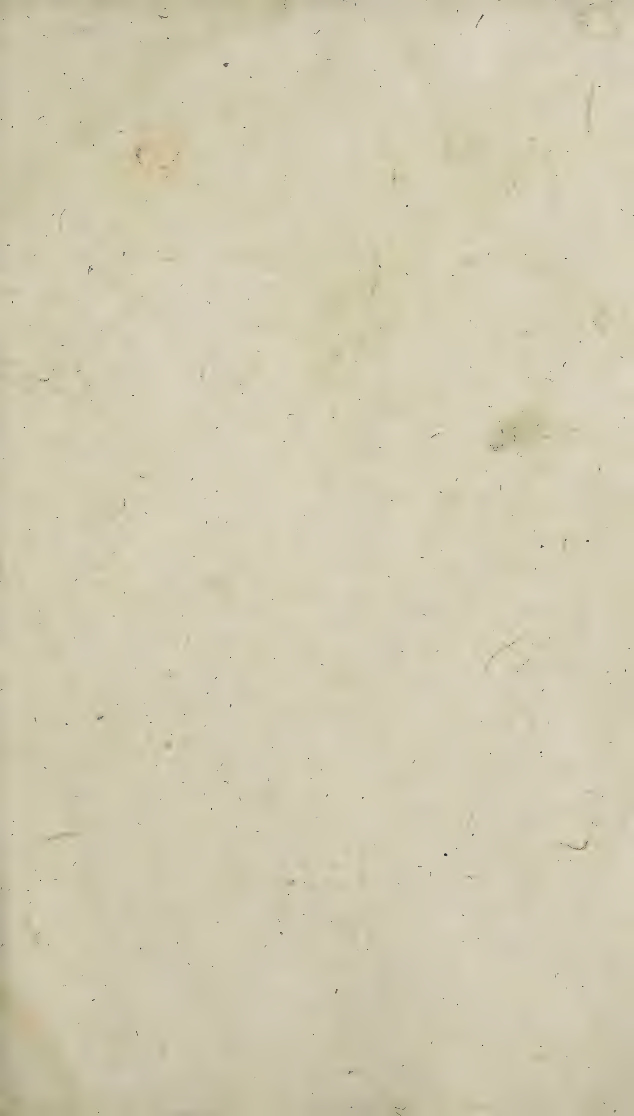














نقل من كتاب يواقيت العلوم منقول من خط الشيخ
الصمداني صاحب الاحاديث صدر الدين الحموي قدس سره
عن حذيفة ابن اليماني انه قال قال ع م لا ياتي على الميت
ساعة اشد من اول ليلة ارحموا ميتكم بشيء من الصدقة
فان لم تجدوا فليصل احدكم ركعتين فيه فاتحة الكتاب
مرة و آية الكرسي و الهيكم التكاثر و قل هو الله احد عشر مرات
وسلم ويقول اللهم اني صليت وتعلم ما اردت بذلك
ابعث ثوابها على قبر ذلك الميت بعث الله تع في ساعته
الف ملك الي قبره مع كل ملك نور وهدية ويونسه في قبره
الي يوم ينفخ في الصور واعطاه الله تع بعدد ما طلعت
عليه الشمس حسنات ورفع له اربعين درجة وكتب
له اربعين حجة وعمرة وزوجه اربعين حوراء ويشفع له
اربعين من اهل بيته واعطاه الله ثواب الف شهيد وبنى
له الف مدينة وكساه الله الف حلة در خبر است كه جبرئيل

علیه السلام مر پیغمبر را صلوات الله وسلامه علیه کفت هرکه این
دعا بخواند ثواب چهار پیغمبر بدو دهند اول تو که محمدی
و ثواب ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و ثواب
چهار فرشته بدو دهند اول ثواب جبرائیل و ثواب
میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و وصیت کرد که این دعا
را بزرگ دار و از امتان خود پنهان مدار الا آن
فاسقان که بدان چیزی خواهند که رضای حق تعالی
دران نباشد و اکر کسی در همه عمر خویش ده بار بخواند
چون از کور برخیزد روی او چون ماه می تابد و بنده یک
حق تعالی ویرا منزلت پیغمبران باشد و هرکه جبرائیل
بر سر کور وی باشم با براق و هرکه در شب بیست و یکبار
بخواند ترا در خواب بیند و حاجت وی روا شود اکر غمکین
و محنت رسیده باشد از غم فرح یابد و رسول علیه الصلوة
والسلام کفت وای بران کسی که این دعا را حرمت ندارد
و بیم آن بود که ایمان از وی بشود زیرا که نام بزرک
حق تعالی درین دعاست و فرمود که هرکه هر روز

بنجاه

پنجاه بار بخواند خدای عز و جل همه کار های وی بگشاید
و روزی وی فراخ کردد ببرکت این نامها و آزموده
است و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم یا رازق المقلین و یا راحم المساکین و یا ذا القوة
المتین و یا غیاث المستغیثین و یا خیر الناصرین
ایاک نعبد و ایاک نستعین اللهم ان کان رزقی فی السماء
فانزله و ان کان فی الارض فاخرجه و ان کان بعیدًا
فقربه و ان کان قریبًا فیسره و ان کان یسیرا فبارک
لنا فیه برحمتک یا ارحم الراحمین روایت میکند ابن عباس
بحر العلم عم زادهٔ سید عالم صلی الله علیه وسلم که فرمودند
که در قرآن مجید پنجاه آیت است برگزیده و ان توحید
است هرکه در همه عمر بخواند چنانکه درین ترتیب آمده
است حق جل و علا او را بیامرزد و هرچه عمر خود
گناه کرده باشد از نهان و آشکار و از کبیره و صغیره
همه را عفو کند ابن عباس رض گفت یا رسول الله

چه کونه خوانم گفت از سورهٔ فاتحه اغاز باید کرد
تا سورهٔ المزمل که فضل بسیار است و بحرمت
و تعظیم نگاه باید داشت که جبرئیل عم گفت یا رسول
الله حرمت این آیات معظم بتعظیم تمام و نگاه
دار که من از لوح محفوظ جمع کرده ام از برای تو
یا رسول الله از حضرت بی نیاز و بنده نواز مرا فرمان
شد دران وقت که نه عالم بود و نه عالمیان و نه آدم
بود و نه آدمیان که ای جبرئیل مرا در آخر زمان
دوستی بود که نام او محمد است و او را دشمنان
بسیار خواهد بود از اقارب او از برای او سلاحی
مرتب کن یا رسول الله پیش از آفرینش آدم و عالم
هفتاد هزار سال من بلوح محفوظ شدم و این آیات
معظم را جمع کردم تا انکه که آفتاب دولت تو طلوع
کرد فرمان رسید از حضرت حق سبحانه و تع که ای جبرئیل
در زمین رو با هفتاد هزار فرشته و این سلاح

بران درتیتیم ببرتا او را ورد خود سازد که دشمنان
بسیار دارد جبرئیل مرا بخواند این ایات معظم
وصیت کرد پیوسته می خوانم و ورد خود ساختم
و در تمام قران ایات توحید و ورد ازین آیتها
قوی تر نیست و دولت پیغامبری من ازین آیتها
بود و دشمنان مقهور و منهزم و عاجز می شدند
امیر المؤمنین ابا بکر صدیق رض گفت که رسول الله ع م
مرا فرمود یا ابا بکر وصیت من نگاه دار که این
ایات را پیوسته بخوانی و ورد سازی تا هیچ
دشمنی بر تو ظفر نیابد و از مکر مکاران و از شر حاسدان
و بدخواهان ایمن باشی من از پیغامبر صلی الله علیه
وسلم قبول کردم و پیوسته میخوانم حق تعالی مرا تخت
خلافت بی منازعت بنشاند و دشمنان مقهور
شدند امیر المؤمنین عمر بن خطاب گفت که هر که
خواهد که پیغمبر را صلی الله علیه وسلم بخواب بیند

این آیتها را شب جمعه پنج بار بخواند و باوضو بخسبد
ان شب پیغامبر را صلعم بخواب بیند امیر المؤمنین
عثمان گفت هرگاه که من در مجلس رسول صلعم
حاضر نبودمی در خلوت برفتمی پیغامبر صلی الله علیه
وسلم روزی بخواندن این آیات مشغول بود چون
فارغ شد روی سوی من کرد فرمود یا عثمان
در قرآن پنجاه آیت است در توحید باید که این آیتها
بخوانی در خانهٔ تو برکت و رحمت باشد و اهل خانه
در امان و عصمت حق تعالی باشد و دیو و پری از ان
خانه بگریزد و بر هر که این آیات باز بند باشد
همه مخلوقات مطیع او شوند و در همه دلها عزیز و
محترم باشد و اگر بر بیماری تعویذ کند و بندد
هر زحمتی که باشد فی الحال دفع شود و امیر المؤمنین
علی کرم الله وجهه گفت از ان روز که رسول صلعم
مرا بخواندن این آیات وصیت کردم هیچ روزی

تاخیر

تأخیر نکردم وهمه مهمات من ببرکت این ایات
بخوبی برآمد ودروقت جنک نخواندمی حق جل وعلا
مرا ظفر دادی واکر کسی در جنک بخواند اکر خواندن
نداند بپیوسته بازو بند کند حق تعالی ظفر ونصرت دهد
واورا از تیر وتیغ ونیزه نکاه دارد وخوف
وهراس در دل کفار افتد چنانکه از هیبت در
هزیمت افتد وخدای تعالی مرا قوت داده بود برکافران
واز بیم آن منهزم میشدند وهرکرا حفظ نباشد
وهیچ چیز یاد نتواند کرفت این ایات را روز پنجشنبه
بر کاغد بمشک وزعفران بنویسد وان روز روزه
دارد چون خواهد که روزه بکشاید این آیتها را
باب بشوید وبدان افطار کند حق سبحانه وتعالی
اورا حفظ عطا کند چنانکه هرکه بخواند وبشنود
یاد ماند واکر کسی دیوانه شده باشد این آیات را
بر حریر بنویسد وبکلاب بشوید وبخورد وان

بر کاله حریر را پلیته کند و بسوزد و دود آن در دماغ
دیوانه برساند درحال بهوش باز آید و اگر دشمنی
قادر شده و از وی بجان و مال خایف باشد شب دوشنبه
ده بار بخواند وطرف دشمن بد مدخدای تعی سر آن
مدعی منقطع کرد اند و هر که این ایات را بازو بند
سازد حق تعی او را از تب لرزه و تب سیم و درد
سر و شقیقه ولقوه و درد شکم و قولنج و ومبرد
و بهلسه ذکر و بر ماه و باد صرع و سرخ باد و وبا
و باد سموم و باد سور و ناسور و جمیع زحمتها
وعلتها امان دهد و هیچ علتی و زحمتی او را ضرری
و بانی هوا بد رسانید و گناه ان روز که خوانده
باشد ننویسند و از حضرت رب العالمین هفتاد
فرمان دهد تا او را از جمیع افتها و بلاها و غمها
نگاه دارد تا روزی دیگر برای بنده امرزش خواهند
و اگر کسی در بیابان راه گم کرده باشد متحیر گشته

ان

این ایات را بخواند و اگر بتواند بردست گیرد و شفیع
آرد حق تعالی بدید ارد بسلامت بمقام و مقصود
رساند و از درندگان و ددگان محروس بود
و اگر برده گریخته باشد یا کالای دزد برده باشد
وضو کند و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی
بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص سه بار چون از نماز
فارغ شود ده بار صلوات گوید و سه بار این
آیات را بحضور دل و تضرع بخواند بحق تعالی
شفیع آرد خدای تعالی بفضل و کرم خویش او خبر دهند
و بان رساند و اگر کسی را مهمی صعب پیش آید
و بدان درمانده باشد در شب جمعه هفت بار
این ایات بخواند و بحضرت صمدیت شفیع آرد آن
مهم او کفایت شود اسناد این آیات بسیار است
و فضل و فضیلت این ایات بسیار است مگر خدا داند
که چند است ایات اینست • بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين
اياك نعبد و اياك نستعين اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا
الضالين آمين بسم الله الرحمن الرحيم الم ذلك الكتاب
لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يومنون بالغيب
و يقيمون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون و الذين
يومنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك و بالاخرة
هم يوقنون اولئك على هدى من ربهم و اولئك هم
المفلحون و الهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم
و اية الكرسي تا آخر بسم الله الرحمن الرحيم الم الله
لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق
مصدقا لما بين يديه و انزل التورية و الانجيل
من قبل هدى للناس و انزل الفرقان ان الذين
كفروا بايات الله لهم عذاب شديد و الله عزيز
ذو انتقام ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض و لا

في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء
لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله تمام الله لا اله
الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ومن اصدق
من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق
كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع
ما يوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين
قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا
الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت
وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي
امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا
لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو
فهل انتم مسلمون وهم يكفرون بالرحمن قل هو

ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل
الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده
ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون يعلم السر
واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى انني
انا الله لا اله الا انا فاعبدني انما الهكم الله الذي
لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا
من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر
عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله
الا هو له الحمد في الاولى والآخرة وله الحكم واليه
ترجعون ولا تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو
كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون

يا

يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق
غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى
توفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون
ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون
غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي
الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق
كل شيء لا اله الا هو فانى توفكون هو الحي لا اله
هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين
لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين
والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم هو الله
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان
الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور

له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا صدق الله وبلغ رسول الله وصلى الله على محمد واله اجمعين حوكه ابن دعا را على الدوام في خواند خصوصا كه در عقيب نمازها بسعادت دارين رساند اللهم اني اسئالك من العصمة دوامها ومن النعمة تمامها ومن العافية حصولها ومن الرحمة شمولها ومن العيش ارغده ومن العمر اسعده ومن الاحسان اتمه ومن الانعام اعمه ومن الفضل اعذبه ومن اللطف انفعه اللهم كن لنا ولا تكن علينا اللهم اختم بالسعادة آجالنا وحقق بالزيادة آمالنا واقرن بالعافية غدونا وآصالنا واجعل الى رحمتك مصيرنا ومآلنا وصب سجال عفوك على ذنوبنا ومن علينا باصلاح

عيوبنا

عيوبنا واجعل التقوى زادنا وفى دينك اجتهادنا
فان عليك توكلنا واعتمادنا ثبتنا على نهج الاستقامة
واعذنا من موجبات الندامة يوم القيامة خفف
عنا ثقل الاوزار وارزقنا عيشة الابرار واكفنا
واصرف عنا شر الاشرار واعتق رقابنا ورقاب
ابائنا وامهاتنا واقاربنا من النار والدين
والمظالم يا عزيز يا غفار يا كريم يا ستار يا حليم
يا جبار يا عظيم يا وهاب وصلى الله على خير
البرية محمد المصطفى وآله الطيبين الطاهرين
برحمتك يا ارحم الراحمين قال رسول الله عم
حكاية عن ربه اهل الذكر فى ضيافتى واهل
الشكر فى زيادتى واهل الطاعة فى رحمتى واهل
المعصية لا اقنطهم من رحمتى فان تابوا فانا حبيبهم
وان لم يتوبوا فانا طبيبهم اداويهم بالمصايب
لاطهرهم عن المعايب صدق الله وصدق رسول الله

من كتاب قوت القلوب م

روي عن انس بن مالك رض عن رسول الله صلعم
انه قال من قرا هذا التسبيح مرة واحدة
وجعل ثوابه لوالديه فقد ادي حقهما
الحمد لله رب السموات والارض رب العالمين
وله الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم والحمد لله رب السموات والارض وهو
العزيز الحكيم والحمد لله رب السموات والارض
رب العالمين وله النور في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم هر كم بو كلماتي كوتره اوج
كره ديسه قرقلر مرتبه سنه وارسنجه
اللهم اصلح امة محمد اللهم ارحم امة محمد
اللهم فرج امة محمد مبناي طريق مشغولي
اين عزيزان آنست كه مي كويند هوش دردم خلوت
در انجمن معني هوش دردم آنست كه هر نفسي كه
بر مي آيد مي بايد كه از سر حضور باشد وغفلت

لا اله الا الله محمد رسول الله

راه نیابد وطریق مشغولی آنست که این کلمهٔ طیبه
را بتمام می کویند وکیفیت کفتن آنست که زبان را
بر کام می چسپانند ونفس را در درون نکاه
می دارند ان مقدار که توانند ومتوجه قلب صنوبری
می شوند که ذکر از قلب کفته شود نه از معده
واین توجه را مهم می دارند ودر عقب هر ذکری
ملاحظه این معنی را که خداوندا مقصود من توی
ورضای تو مرعی می دارند واین مشغولی را
در جمیع احوال در رفتن وآمدن وطعام
خوردن ووضو ساختن نکاه می دارند وامری
دیکر هست که بعضی زیاده می کنند وان آنست
که یک سر الف لا را از سرناف اعتبار می کنند وکر
لا را بر پستان راست ویک سر لا را بر سر قلب
صنوبری واله را متصل کرسی لاکه بر پستان
راست واقع شده است والا الله محمد رسول الله

فایده کفتن این معنی آنست که تا هر چه [illegible] شود از کرامات ومقامات [illegible] نفی کند وجز حضرت حق جل ذکره نخواهد

سي

را متصل قلب اعتبار می کنند کسد این شکل را باین
کیفیت نگاه می دارند و بذکر مشغول بدان طریق که
مذکور شد می باشند طریقهٔ ذکر ایشان اینست والله اعلم
و طریقه توجه ایشان آنست که دل خود را با جناب
مقدس تعالی و تقدس حاضر می دارند مجرد از لباس
حرف و صوت و عربی و فارسی و مجرد از جمیع جهات
و دل خود را از محل او که قلب صنوبری است دور
نمیدارند چه مقصود از مجرد از جهات بما است
حق تعالی در کلام مجید فرموده است ونحن اقرب الیه
من حبل الورید مثنوی ای کمان و تیرها بر ساخته
صید نزدیک و تو دور انداخته هر که دور انداز
تر او دورتر از چنین صیدست او مهجورتر
اما بواسطهٔ ضعفی که مر بصیرت راست دریافت
این معنی تمام میسر نمی شود و لیکن بتدریج این
معنی بر توجه اندازد و چنان می شود که غیر این

معنی

معنی در نظر بصیرت چیزی نمی ماند هر چند از خود
خواهد که تعبیر کند نتواند مانند کسی که در بحر فرو
رفته است تا گردن و چشم او بغیر بحر نمی افتد
و بتدریج چنان می شود که اینها در نظر او آیند
و لیکن محو آن شبح ضعیف که از دور دور مرئی
شود و نمی تواند که باطن آن شخص را نیک مشغول
گرداند اما اگر درین توجه که مذکور شد تعذری
باشد این معنی را با آن اسم مقدس که اسم ذات است
بر دل خود تازه می کند و مراقب این معنی می باشد
مانند کسی که چشم بر چیزی گذاشته است و می بیند
و از دیده بتعقل نمی پردازد والله اعلم

نقلست از امیر المؤمنین و امام المتقین علی
علی بن ابی طالب رضی الله عنه و کرم الله وجهه که
فرمود هر وقتی که خواستمی که دیدار عالم آرای خواجه
کاینات را صلی الله علیه و سلم بخواب ببینم این نماز بگز

بگذاردم البته حضرت رسالت را صلعم بخواب میدیدم
و علی بن سهل فرموده رض هفت بار آزمودم
که نماز نرجس بگذاردمی البته حضرت رسالت پناه
را صلی الله علیه وسلم بخواب بدیدمی و منقولست از امیر
المؤمنین عمر رض که فرموده هر کس که این نماز بگذارد
و رسول را صلعم بخواب نبیند گو مرا عمر مخوره فرموده ندکر
چه گونه گذاریم گفت در شب عاشورا یا در شبهای
فاضل یا در شب جمعه یا هر شب دیگر که خواهد
این نماز بگذارد اما بدانکه این نماز چهار رکعت
است در هر رکعتی یکبار الحمد و ده بار انا انزلنا
و همچنان ایستاده پانزده بار بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع ر و
ده بار بگوید و راست شود و سه بار بگوید
و در هر سجده پنج بار بگوید و بعد از سلام ده
بار فاتحه و ده بار انا انزلنا بخواند و سی و سه

بار

بار سبحان الله تا آخر بگوید و بعد از آن بگوید
صلی الله علی محمد النبی الامی جزی الله محمداً عنا
ما هو اهله هر کس که در همه عمر یک نوبت این نماز
بگذارد چون قبض روح وی کنند سیراب باشد و در
گور او گل و یاسمن و نرجس روید و قبر وی
روشن باشد و در راحت بود تا روز قیامت

دعای ابوذر غفاری

اللهم انی اسئلک ایمانا دایما و قلبا خاشعا و
لسانا ذاکرا و علما نافعا و یقینا ثابتا و دینا
قیما و رزقا واسعا و اسئلک العافیة من کل
بلاء و اسئلک تمام العافیة و اسئلک دوام العافیة
و اسئلک الشکر علی العافیة و اسئلک الغنی عن
الناس برحمتک یا ارحم الراحمین که بعد از صبح
یکبار میخواند و یکبار بعد از پیشین و جبرئیل علیه السلام
پیغمبر را صلعم خبر داده که ابوذر بسبب این دعا

نزد اهل اسمان سناسا ترا است از نزد اهل
زمین بسم الله رب العالمین والصلوة
والسلام علی خیر خلقه محمد واله اجمعین اما بعد
منقولست از امام مرحوم مفتی الامة سید الایمة
ابی القاسم عبد الکریم بن علی بن عبد الکریم المشتهر
بخواجه امام قدوه روح الله روحه که راویان
عدل روایت کرده اند باسناد صحیح که گفتند
از امام محمد بن سیرین که فرمود که یکی روز با جماعتی
از بصره بیرون آمدیم بعزیمت سوق آهوان
بمقامی رسیدیم که انرا نهر تری میخوانند وخواستیم
که شب انجا باشیم شخصی از شهر بصره بیرون آمد
و با ما گفت که شب اینجا توقف میکنید که درین
مقام هرکز هیچ کس اینجا سالم نبوده است
جمعی از رفقاء ما متوهم شدند و شب انجا نبودند
و من و جماعتی شب انجا بودیم بنا بر حدیث حضرت

رسالت

رسالت عم که فرموده است که من قرأ فی لیلة
ثلثین آیة لم یضره تلک اللیلة لص طارق ولا سبع
ضار وعوفی فی نفسه واهله وماله وآیت ایات
میخواندیم و در شب چند کرة دیدیم که جماعتی سلاح
مکمل پوشیده و شمشیرها کشیده باینجا می آمدند
و مارا نمی دیدند و باز می گشتند چون بامداد شد
ان رفقا که شب رفته بودند باز آمدند و روانه
شدیم ناگاه سواری سلاح مکمل پوشیده
کمان بر دوش خود نهاده بما رسید و از ما سؤال
کرد که شما از کدام قوم آید از انس یا جن گفتم
ما فرزند آدمیم تعجب کرد و گفت درین مقام
هرکز هیچ متنفس از دست ما خلاص نیافته است
ما در شب نود نوبت بر سر شما آمدیم که قصد شما
کنیم و اموال شما غارت کنیم چون بآن موضع
میرسیدیم حصاری از آهن می دیدیم که گرد آن

موضعی نهاده بود که هرگز نبود عاجز و متحیر
باز می گشتیم و می گفتیم ایا اینها از کدام قوم
خواهند بود انگاه من گفتم که از حضرت رسالت
علیه الصلوة و السلام بما رسیده است که از اسنا
درست هر که هر شب این سی آیات بخواند از جمیع
بلاها و دزدان و جانوران و گزندرسانات در
حفظ و امان حق تع باشد ما این آیات میخوانیم
حق تع ما را از شر شما ایمن کردانید فی الحال آن
سوار شد و از دزدی و قصد مسلمانان توبه
کرد و ان سی آیات اینست دیگر راوی روایت
میکنید که من بشیراز می رفتم جمعی را دیدم که پیش
من باز آمدند و قصد من خواستند کرد بقدرت
حق تع و ببرکت این ایات من این آیات را میخواندم
ان جماعت ظلمه نتوانستند دید که مرا به بینند دیگر
راوی روایت می کند که این آیات شفاء صدور ض

است از آن جمله یکی برص و یکی جنون و یکی جذام
و فضیلت و یمن و برکت این آیات بسیار است
بسم الله الرحمن الرحیم
الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين
يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما رزقنا هم
ينفقون • والذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل
من قبلك وبالآخرة هم يوقنون اولئك على
هدى من ربهم واولئك هم المفلحون الله لا اله
الا هو الحي القيوم الخ لا اكراه في الدين قد تبين الرشد
من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد
استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله
سميع عليم الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات
الى النور والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت
يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب
النار هم فيها خالدون ان ربكم الله الذي خلق

السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر
تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا
وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی
الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا
ان رحمة الله قریب من المحسنین قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی
ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین
ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن
له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا بسم الله الرحمن الرحیم والصافات صفا فالزاجرات
زجرا فالتالیات ذکرا ان الهکم لواحد رب
السموات والارض وما بینهما ورب المشارق
انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب وحفظا

من کل

من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملاء الاعلى
ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب
واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب
ثاقب يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان
تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان فباي آلاء ربكما تكذبان
لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا
متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له
الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم بسم الله الرحمن الرحيم قل اوحي

الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا
قرانا عجبا يهدي الي الرشد فامنا به ولن
نشرك بربنا احدا وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ
صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول سفيهنا
على الله شططا
السته الشوافي
اول ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم
مؤمنين دوم يا ايها الناس قد جاءكم موعظة
من ربكم وشفاء لما في الصدور سيم فيه شفاء
للناس جهارم وننزل من القران ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنين پنجم واذا مرضت فهو يشفين
ششم قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء

بسم الله الرحمن الرحيم

اسناد هذه المناجات سورة من الزبور روي
عن عبد الله بن عباس رضي الله عنه قال قراءت هذه
السورة وكنت فقيرا فاغناني ربي وكنت خايفا

فامني

فامنني ربي وامنت من كل خوف وملكت من الدنيا
من علم الله تع د قال ابن عباس ان هذه السورة
افضل سورة من الزبور ومن قراها ملك ما يحب
ورفعه الله فوق الناس وجعله ممن رضي الله عنه
في الدنيا والاخرة وان كان عبدًا اعتقه الله
وان كان فقيرًا اغناه الله وان كان مسجونًا
خلصه الله وان كان بعيدًا عن اهله قربه الله
وان كان في كربة من كرب الدنيا خلصه وان كان
مذنبا غفر الله وان كان سقيما ابراه الله وان كان
خايفا من السلطان امنه الله وان كان متهما بتهمة
اخفاه الله وان كان قاتلاً انجاه الله وان كان سا يلاً
حاجة قضاها الله اسرع من طرفة العين وكان
داود عم اذا اصابته كربة من كرب الدنيا قراها
ثم يسجد فلا يرفع راسه من السجود حتى يقضي الله
ما يحب وكانت هذه السورة سريانية نظمها

بالعربية عبد الله عباس رض وهذه السورة مثل
سورة الرحمن في القرآن والله تع اعلم صحة النسخة
حديقة الحدق والمناجات هذه مناجات
أَنا الموجودُ فاطلُبني تجِدني فان تطلُب سواي
فلا تجِدني انا المقصود لا تقصد سوائي كثير الخير
فاطلبني تجدني انا الرب الذي يخشى عذابي جميع
الخلق فاطلبني تجدني انا الملك المهيمن جل قدري
عظيم الملك فاطلبني تجدني انا المعبود لا تعبد سوائي
انا الجبار فاطلبني تجدني انا للعبد ارحم من اخيه
ومن ابويه فاطلبني تجدني تجدني في سواد الليل
عبدي قريبا منك فاطلبني تجدني تجدني في سجودك
حين تدعو وحين تقوم فاطلبني تجدني تجدني
راحما برا عطوفا بكل الخلق فاطلبني تجدني
تجدني واحدا صمدا عظيما كثير البر فاطلبني تجدني
تجدني مستغاثا لي مغيثا انا القهار فاطلبني تجدني

تجدني

تجدني واسعًا بالخلق عبدي • انا المذكور فاطلبني
تجدني • اذا اللهفان ناداني كظيما • أقل لبيك فاطلبني
تجدني • اذا المضطر قال الا تراني • نظرت اليه فاطلبني
تجدني • اذا عبدي عصاني لم يجدني • سريع الاخذ
فاطلبني تجدني • فان هو تاب تبت عليه عبدي
انا التواب فاطلبني تجدني • ومن مثلي واين يكون
مثلي • فليس يكون فاطلبني تجدني • هلم الي لا تقصد
سوائي • انا المنان فاطلبني تجدني • اتذكر ليلة ناديت
سرًا • الم اسمعك فاطلبني تجدني • فلا ينجيك يا عبدي
سوائي • من النيران فاطلبني تجدني • وليس يحلل الورد غيري • يحللك
انا الرزاق فاطلبني تجدني • أهل في الخلق من يعطي
جزيلا • سوائي ليس فاطلبني تجدني • اتعرف غافرا ايغفر
للذنب غيري • انا الغفار فاطلبني تجدني • ساغفر
للعباد ولا ابالي • غداة الحشر فاطلبني تجدني •
واعطي من اريد بلا حساب • انا الوهاب فاطلبني

تجدني واُرحم من عبادي من عصاني بجهل منه فاطلبني
تجدني واكرم من يتوب الي خوفا لي الاكرام فاطلبني
تجدني لي الآلاء والنعماء عبدي لي الخيرات فاطلبني
تجدني تعززني فلم ترقط مثلي ولست تراه فاطلبني
تجدني لي الدنيا ومن فيها جميعا لي الملكوت فاطلبني
تجدني اتعرف من له اسم كاسمي انا الرحمن فاطلبني
تجدني اتعرف من يغيث الخلق غيري من الكربات فاطلبني تجدني
اتعرف ساترا للعيب غيري انا الستار فاطلبني تجدني
اتعرف منقذا غيري سريعا من الهلكات فاطلبني تجدني
اتعرف من يقل للشيء غيري بكن فيكون فاطلبني تجدني
انا الله الذي لا شيء مثلي انا الديان فاطلبني تجدني
انا ملك الملوك وكل ملك لي الميراث فاطلبني تجدني
انا الوهاب يا عبدي سريعا وفي العهد فاطلبني تجدني
انا قبل الدهور وقبل قبل وبعد البعد فاطلبني تجدني
انا الفرد المدبر فوق عرشي بلا التكييف فاطلبني تجدني تم

دعاء حاجة من كان له حاجة مهمة فليقرء هذا
الدعاء خمس مرات فقضيها الله تع من غير تاخير
بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان من هو بالجلال موحدا و بالتوحيد موصوفا
و بالصفة على لسان كل قائل ربا و بالربوبية
عظيما حليما و بالحلم و العظمة رؤفا رحيما

در بيان مقامات الصوفية

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين
الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على
خير خلقه محمد و آله اجمعين قال الشيخ الكبير
قطب الوقت حجة الله على الخلق شيخ الاسلام
محمد الجُدينى قدس الله روحه فصل
فى مقامات الصوفية و بيان حالاتهم و معنى الفقر
وما يتعلق بدين امور الفقراء بدانكه صوفى را
جهل مقام است جهل قدم بيا يدكه تا قدم د ر

کو بی تصوف درست آید واکر از ین جهل مقام
یکی فرو کذارد صفاتی ایشان درست نیاید
مقام اول نیت است صوفیان را باید که اندیشهٔ
ایشان آن بود که اکر هردو عالم برایشان دهند
چون دنیا و نعمتش و عقبا و جنتش دنیا و نعمتش
بر کافران ایثار کنند و عقبا و جنتش بر مؤمنان
ایثار کنند و بلا و محنت اختیار کنند خود را مقام
دوم انابت بود اکر در خلوت بوند خدا را ببینند
هرچه جز حق بود نزدیک ایشان باطل بود
و تغییر عالم سر ایشان را نجنباند و بلا و محنت
حق مهر ایشان کم نکند مقام سیم توبه است
همه خلق توبه کنند که حرام نخرند از بیم آنکه تا
کرفتار نیایند در آتش و در عقوبت و ایشان
توبه کنند که حلال نخرند از بیم آنکه کرفتار آیند
در حرام و شبهه افتند مقام چهارم ارادت است

است همه

همه کسی راحت خواهند و نعمت و رویت و ماله
ایشان محنت و بار ملک اختیار کنند مقام پنجم
مجاهده است مردمان جهد کنند تا راه رانیست
کنند و ایشان جهد کنند تا نیست هست کنند
مقام ششم مراقبت است مراقبت نگاه داشتن بود
در خلوت و غیر خلوت لاجرم پادشاه عالم
جل جلاله ایشان را معصوم دارد از معصیت
مقام هفتم صبر است اگر بلاء کونین بد و
کمارند در آن آه نکند و اگر محنت عالمین بر
ایشان فرود اید جز در کوه صبر راه نگیرند
مقام هشتم ذکر است بدل او را دانند و زبان
او را خوانند هر گاه که درمانند جز بدرگاه او
راه نیابند و ندانند مقام نهم مخالفت نفس
است هفتاد سال نفسهاشان می نالد در آرزوی
یک نعمت و نیابند جز رنج و محنت مقام دهم

رضاست که اگر ایشان را گرسنه دارند خشنود
باشند و اگر برهنه دارند خشنود باشند
در اختیار نگذرند و جز راه مواضع ننهند
مقام یازدهم موافقت است بلا و عافیت و عطا
و منع بنزد ایشان یکسان بود مقام دوازدهم
تسلیم است اگر تیر بلا از کمین گاه ایشان
باختن آرد خود را در منجنیق تسلیم نهند و پیش
باز شوند و جان و دل را سپر بلا سازند مقام
سیزدهم توکل است در کوی توکل مقام سازند
نه از خلق سؤال کنند نه از خالق که او رای پسند
برای او و سؤال در میان نه مقام چهاردهم زهد
است از همه دنیا مرقعی دارند از رکو و گلیمی و نمد
پاره از مرقع نزدیک ایشان فاضلتر از سیلاطونه
هزار بار مقام پانزدهم عبادت است همه روز
مشغول باشند بخواندن قران و گفتن تسبیح همه

شب

شب ایستاده باشند بخدمت افریدکار چون
تنها سان در خدمت کوشان و نهان شان از
شوق حق چو شان سهاشان از مهر مشاهده
ملک خروشان مقام شانزدهم ورع است
از هر طعامی نخورند و هر لباسی نپوشند و با
هر کسی ننشینند و جز صحبت حق نگزینند مقام
هفتم اخلاص همه شب نماز کنند و همه روز
روزه دارند چون پیش ایشان طاعت ببینند
هفتاد ساله طاعت بیک شربت آب نخروشند
و پیش سگ نهند و گویند ای نفس دانستی که انچه
تو کردی خدای را نشایست مقام هژدهم صدق
است یک قدم نی راستی ننهند و یک نفس نی راستی
نزنند زبان ایشان باید که از دل خبر دهد و دل
ایشان باید که از اسرار خبر دهد و سر ایشان
از حضرت خبر دهد مقام نوازدهم خوف است هر که

در عدل او نگرند از بیم میگدازند و بر طاعت
اعتماد نی مقام بیستم رجاست هرکه در فضل
او نگرد از شوق حق باز د و بیم فزع در میان نی
و مقام بیست یکم فناست نفس خود را در بوته قضا
نگذارند و از هرچه دون اوست فانی شوند و زبان
ایشان حدیث زیبا نگوید جز بنام او و تنهاشان
نجنبید جز بطاعت او و پنهانشان نرود جز بدرگاه
او و سرایشان جولان نکند جز بحضرت او مقام
بیست دوم بقاست اگر براست نگرند حق را بینند
و اگر بچپ نگرند هم او بینند و اگر بنشینند او را
بینند باقی گردند ببقاء او و راضی گردند بقضاء او
مقام بیست سیم علم الیقین است چون بدیده
علم الیقین نگرند از عرش تا بفرش بینند و حجاب
در میان نی مقام بیست چهارم حق الیقین است
چون بدیده حق الیقین نگرند از مکونات و مصنوعات

حجاب در میان نی مقام بیست پنجم معرفت است
از همه کونین و عالمین او را شناسند و در شناختن
تهمت نی بدل و جان او را پرستند و در طاعت شبهت
نی مقام بیست ششم ولایت است دنیا و آخرت
در همت ایشان نگنجد و همه نعمتهای دنیا و آخرت
در دیدهٔ ایشان وذره نسنجد مقام بیست هفتم
محبت است همه کونهٔ دوستی ایشان یکی زیرا که
ظاهر و باطن ایشان یکی بود مقام بیست هشتم
شوق است تن ایشان از امر حق می گدازد و دل
ایشان در حضرت قدس می نازد اندیشهٔ فرزند
و عیال نی از دنیا و مال آزاد مقام بیست نهم
وجد است در دنیا شان نیابند در گور ایشان
نیابند و در قیامت ایشان نیابند و صراط شان
نیابند در حضرت قدس انجا که ایشان باشند
حق با ایشان و ایشان با حق مقام سیم

اکر کویند بار خدایا کفر و عصیان را در کار ما کن
پادشاه عالم کفتار ایشان رد نکند مقام سی
و یکم انس است انس ایشان با نام او بود و راه
ایشان با پیغام او بود مقام سی و دوم رضا لست
اکر شخص ایشان در دنیا بود دل ایشان در حضرت
مولی بود اکر تن ایشان وحشی دل ایشان عرشی
بود مقام سی و سیم کشف است میان ایشان
و حق حجاب نبود و اکر فرو نکرند تا پشت کاو
و ماهی ببینند و اکر بالا نکرند تا عرش و کرسی
و لوح و قلم ببینند و هیچ چیز ایشان را حجاب
نباشد مقام سی و چهارم خاطرست یک طرفة
العین از بساط خدمت خالی نباشد مقام سی
و پنجم تجرید است اکر بدوزخ فرستند و اکر بهشت
مرحبا کویند نه بدان شاد شوند و نه بدین غمکین
و از دوستی بر نکردند مقام سی و ششم تفرید است

در دنیا غریب باشند و اگر شان بزنند از درد نشویند و اگر شانه بنوازند فریفته نشوید مقام سی و هفتم انبساط است بحضرت او گستاخ باشند اگر پادشاه عالم ملک الموت بر ایشان فرستد فرمانش نبرند تا از دوست ندا نشنوند جان تسلیم نکنند و از منکر و نکیر باک ندارند و از قیامت نه اندیشند یک قدم بر صراط نهند و دیگر قدم بر فردوس اعلا و در حور و قصور ننگرند تا روی حق نبینند مقام سی و هشتم تحیر است همیشه حیران باشند و با بانگ و فغان باشند و از خلق گریزان باشند و در حلقه آویزان مقام سی و نهم نهایت است بمنزلگاه رسیده و بارهای محنت کشیده و بدیدهٔ دل حق را دیده باشند مقام چهلم تصوف است صوفی آن بود که از مراد ها صافی بود زبانش از غیبت صافی

بود چشمش از خیانت صافی بود و از جهان
دوخته و با حق تعالی آمیخته و این جهل مقام هر
یکی پیغامبری را بوده است اول قدم ادم را
بود و آخر قدم محمد را صلوات الله علیه وسلامه
والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
بدانکه واجب است بر معتقد که این مقدمات
بداند انکه در تفسیر قرآن شروع کند و اگر
این مقدمات نداند حرام بود او را تفسیر کردن
واگر شروع نماید عاصی گردد و این چهارده
وجه است تفسیر و تأویل و معنی و تنزیل
وحی کلام قول کتاب فرقان قرآن سوره آیت
کلمه حرف اما تفسیر از طریق لغت تبیین و
ایضاح کرده باشد چنانکه گویند فسرت
الحدیث ای بینته واوضحته دیگر گروهی گویند

کم

که تفسیر از تفسره بود یعنی وهي نظر الطبیب
في البول لاستخراج الداء والعلة وكذلك المفسر
ینظر في الآیة لاستخراج حکمها ومعناها ولیکن
این قول ضعیف است زیرا که تفسره لفظ رومیست
واطباء روم نهاده اند وتفسیر لفظ عربیست
است پس تفسیر در اصل تسفیر بوده است یعنی
روشن کرده چنانکه گویند سفرت المرأة اذا
کشفت قناعها عن وجهها وسفرت البیت اذا
کنسته وسفر را نیز سفر گویند لانه یسفر فیه
الاخلاق وسفر را نیز سفر گویند لانها تسفر فیظهر
مافیها قال الله تع والصبح اذا اسفر اي اذا اضاء
وتفسیر در اصل تسفیر بوده است فا را بر سین
مقدم کردند چنانکه در لغت گویند جذب وجبذ
و بض وصب وعمیق ومعیق وصاعقه وصاقعه
وامثال این اما تأویل عاقبت چیزی بد ید

کردن بود اشتقاق ان از مآل است وهو صرف
الکلام الی مآله ومآل عاقبت بود وگفته اند اشتقاق
تأویل از اوّل است وهو صرف الکلام الی اوّله
واین دو معنی بهم نزدیکست زیراکه گفته
اند که اوّل غرض الحکیم آخر فعله چنانکه کسی
سرای کند اول خاطر او بسرای بود و آخر
سرای بحاصل آید واگر کتابی تالیف کند و نویسد
اوّل خاطر خاطر او کتاب بود و آخر کتاب حاصل
کردد اما معنی از طریق لغت مقصد بود همچنانکه
عنی یعنی ای قصد یقصد وآنچ کویند معنی آیت
چنین است بدان ان خواهند اما معنی تنزیل
در لغت در حین بود تکلیم و انزال چنانکه کویند
فلان قال فی تنزیله ای فی تکلیمه لان المتکلم یاتی به
نزلةً بعد نزلة و رتبة بعد رتبة و بمعنی انزال
چنانکه و نزلنا من السّماء ماءً مبارکا ای وانزلنا

قرانرا

قرانرا تنزیل کویند زیراکه همه تکلم است و هم
انزال جبرائیل عم اما معنی وحی پیغامی بود
پوشیده و سبک اشتقاق وحی از وحی الحاجب
کرفته اند و وحا سرعت بود چنانکه کویند
الوحا الوحا یعنی السرعة السرعة و قرانرا نیز
وحی کویند زیرا پیغام است از خدا برسول عم
هم پوشیده هم سبک اما معنی کلام در لغت دو چیز
بود یکی انکه به یصح التکلیم و التکلم و ضد آن
خرس بود و دیکر تکلیم و تکلم بود و قرانرا نیز
کلام کویند زیرا تکلیم و تکلم است اما معنی قول
ه قول حروفی بود مرتب بترتیب حروف مسموع
مفهوم المعنی علی طریق المواضعه و قرانرا نیز قول
کویند زیرا معنی اما معنی کتاب و کتاب نبشته
بود و انرا کتاب کویند لانه یکتب چنانکه امام را
امام کویند لانه یؤتم و کفته اند اشتقاق کتاب

از کتب است و کتب جمع بود چنانکه گویند
کتبت النعلة اذا جمعت بین شعرتها بالحلقة
و جوقی سوار را کتیبه گویند لجمع الرجال و السلاح
فیها و کتاب را کتاب گویند لجمع حروفه و کلامه
و کلماته اما معنی فرقان چند گونه بود چنانکه
گویند فرق یفرق فرقا و قرآن را فرقان گویند
لانه یفرق بین الحق و الباطل و نیز فرقان گویند
لانه نزل متفرقا چنانکه فرمود و قرآنا فرقناه
لتقرأه و فرقان نیز نصرت بود چنانکه فرمود یوم
الفرقان یوم التقی الجمعان یعنی یوم النصرة
و همچنان فرقان گویند زیرا که نصرت حق است
یعنی یوم النصرة و الرحمة اما معنی قرآن از طریق
لغت آن بود که بقراءة چنانکه قربان آن بود که
یتقرب به و لکن در شرع قرآن کتاب خدای تعالی
گفتن مخصوص بود که از سورة البقرة تا سورة

الحمد لله

الحمد لله رب العالمين وقرآن گويند لجمع حروف
وكلمات چنانكه گويند قريت الماء فى الحوض اى
جمعته وخواندن را نيز قراة گويند چنانكه وقرآن
الفجر ان قرآن الفجر كان مشهودا اى قراة الفجر اما معنى
سوره رفعت بوده چنانكه شاعر گويد شعر
الم تر ان الله اعطاك سورة • ترى كل ملك دونها
يتذبذب • سورة اى رفعة وسورة گويند لرفعتها
وشرفها وگروهى گويند كه اشتقاق سوره
از سوره البناء گرفته اند وان ولاذ بنا بود
چنانكه عرب گويد ورب ذى سرادق محجور سرت
اليه من اعالى السور ودر اين معنى هم فرموده
اند از قرآن چنانكه والاذ بعضى بود از ديوار
واز بنا وگروهى كه سورة از سور الدواب
بود وان بقيت آب بود وديگر سوره گفتن
بمعنى بقيه گفتن مى باشد از قرآن اما معنى آيت

در لغت علامت بود چنانکه شاعر گوید شعر
اذا طلعت شمس النهار فسلمی و آیة تسلمی علیک
طلوعها ای فعلامة تسلمی آیت را ایت گویند
زیرا که نشانی بود آن معانی واحکام را که در
ایت است وگویند که آیت جماعت بود چنانکه
گویند خرج القوم بآیتهم ای بجماعتهم زیرا که
جمع حروف وکلماتست اما کلمه را از کلم گرفته
اند وکلم قطیع بود چنانکه گویند کلمت الصید
ای جرحته شعر اجدک ما لعینك لاینام کأن
جفونها فیها کلام وگویند که مجموع حروف
بود جدا کرده از یکدیگر اما حرف طرف بود
چنانکه گویند حرف الوادی وحرف البئر وحرف
القبر ای طرفه کما قال الله تعالی ومن الناس من یعبد
الله علی حرف ای علی طرف ودیگر معنی حرف قوت
بود چنانکه گویند جمل حرف ناقة حرف ای قویة

بس

بس حرف را ان کویند که قوی بود تمام
بسم الله الرحمن الرحیم
قال الله تعالی الذین یقولون ربنا اننا امنا
فاغفرلنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الی آخر
ان الدین عند الله الاسلام ملک لایزال
مالک بی زوال معطی بی ملال تعالی و تقدس در این
آیت و کتاب کریم خبر می دهد از حال آن بندگان
که چون در بلا و عنا فرو ماند خدای تعالی را
بتضرع و زاری میخواند الذین یقولون ربنا
اننا امنا فاغفرلنا ذنوبنا وقنا عذاب النار
این آیت دوازدهم آیتست از سورة آل عمران
و این سوره مدنیست و دویست آیتست و
بروایتی صد و نود و هشت آیتست سه هزار چهار
صد هشتاد کلمه است چهارده هزار پانصد
بیست پنج حرفست و شصت نام خدای تعالی

دریں سوره است فضیلتش بسیار و فوایدش

بی شمار است اول بدانکه سید کونین و رسول

ثقلین میفرماید که من قرأ آل عمران یوم الجمعة

صلی الله علیه و ملائکته حتی تحجب الشمس و اعطی

له بکل آیة منها امانا علی جسر جهنم و خواجه

علیه السلام میفرماید که هر که این سوره روز

جمعه بخواند بهر آیتی او را امانی بود در پل دوزخ

و حق تعالی بخودی خود و فرشتگان بروی صلوات

دهند از بامداد تا انگاه که افتاب فرو شود

و صلوات از حق تعالی بمعنی رحمت بود و از فرشتگان

بمعنی استغفار الثانی منه فضیلت دیگر آنست

که سید عالمیان می فرماید که تعلم البقرة و آل عمران

فانهما زهراوان و کانهما غمامتان او فرقان من

الطیر صواف بطلان صاحبهما یوم القیمة و رسول

فرمود که بیاموزید و بخوانند سورة البقرة

وال عمران را فرداي قيامت بر مثال دو پاره ابر
و باد و جوق از مرغان بر در سر زده در بالاي
سر ان کس سايه باني کنيد تا گرماي قيامت
بدو نرسد و در هر خانه کي اين سوره خوانند
پيوسته شادي و سرور و برکت و نعمت باشد
و اگر دران خانه که اين سوره باشد نتوانند
خواندن و نخوانند عظيم گناه باشد و اگر زني
فرزند نمي آرد و با کودک از شکم مي افکند
اين دو سوره بر و خوانند بر سر او زنند باردار
شود و فرزند آرد و اگر از درختي در او بزيد
که ميوه مي افکند هرگز ميوه نيفکند فضيلت
ديگر درين معني که من قرا ليلة الجمعة سوره
ال عمران جعل له جناحان يطير بهما علي الصراط
هر که شب جمعه اين دو سوره بخواند حق جل و علا
بقيامت او را دو پر دهد تا چون مرغي بر صراط

بگذرد فضیلت دیگر در ربنا معنی سید عالم می فرماید
من قرأ سورة البقرة وال عمران یأتیان یوم القیمة
علی صورة ملکین یشفعان لصاحبهما حتی یدخله
الجنة گفت هرکه این دو سوره بخواند روز قیامت
بر صورت دو فرشته بیایند و شفیع گناهان او
شوند و مونس او باشند تا آنکه که در بهشت
رود در معنی ربنا بدانکه در جمله قرآن
ربنا در هشتاد جاست و ربکم در سی و شش
جاست و ربک در شصت جاست و ربی در بیست
و پنج جاست الذین یقولون ربنا ای آفریدگار ما
وای پروردگار ما ربنا ترا خواهیم و ترا دانیم
ربنا اگرچه عمر بگناه تباه کرده ایم و نامه بمعصیت
سیاه کرده ایم آخر همه بتو ایمان آورده ایم
ربنا اننا امنا ای دانا باشکارا و نهان
ما بیامرزی گناهان ما فاغفر لنا ذنوبنا و بیامرز

گناهان

کناهان ما ونگاه دار ما را از آتش دوزخ اول
در سورة البقرة ربنا وتقبل منا هم در سوره
ربنا واجعلنا مسلمين لك وهم در سوره
ربنا وابعث فيهم رسولا هم در سوره ربنا آتنا
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة هم درين
سوره ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من
قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به اما در سوره
آل عمران برخوان ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا
هم درين سوره برخوان ربنا انك جامع الناس
ليوم لا ريب فيه هم درين سوره بخوان ربنا اننا
امنا رحمت براى عاصيان است مغفرت براى
مجرمانست وقنا عذاب النار اين دعاء كنان
ايند وكرام طايفه كعبه اندانان كه در بلا صابر
بودند و در ايمان صادق بودند الصابرين

والصادقين در شش تاریک قانتان بودند وبعضی
از مفسران گویند الصابرین یعنی فی الآلاء واللأوآء
وعن ارتکاب المناهی وعلی البأساء والضرّاء
وبعضی گویند که الصابرین علی دین الله وگفته
اند علی طاعة الله وگفته اند علی فرایض الله وگفته
اند علی الجهاد قوموا ایها الغافلون دیگر فرموده که
الصابرین محمد وآله او الصادقین ابوبکر واهل
عیاله او القانتین عمر بن الخطاب المنفقین
عثمان بن عفان المستغفرین علی بن ابی طالب
بدانکه کلمهٔ استغفار در جملهٔ قرآن سی وپنج
جاست در چهار موضع بلفظ ماضی ودر سیزده
موضع بلفظ مستقبل ودر ده موضع بامر وحدان ٥
ودر هشت موضع بامر جمع اول در سورهٔ البقرة
بامر جمع یاد میکند واستغفروا الله ان الله غفور رحیم
وبامر وحدان در سورهٔ آل عمران فاعف عنهم

واستغفر لهم

واستغفر لهم وهم در سورة ال عمران بلفظ مستقبل
یاد میکند والمستغفرین بالاسحار برخوان
شهد الله سبحان من شهد العرش بوحدانیته
والکرسی بعزوانیته دیگر سبحان من شهد اللوح
بعلوه والقلم بسموه سبحان من شهد الملائکة
بابدیته والانبیاء بسرمدیته سبحان من شهد
السموات بالوهیته والارضون بربوبیته سبحان
من شهد الانهار بتواترمنته والاسحار بانواع
نعمته عمر بیست که می خوانی که شهد الله ومیخ
میدانی که شهد الله چه معنی دارد شهد الله ای بین
الله شهد الله ای اعلم الله شهد الله ای قال الله
شهد الله ای کلم الله شهد الله ای ثبت الله شهد الله
ای صحح الله شهد الله ای اخبر الله شهد الله ای اظهر الله
شهد الله انه لا اله الا هو یعنی شهادة الله الاعلام
والاخبار ومعنی شهادة الملائکة والو العلم الاعتراف

و الاقرار سطر ش كجاست لیکن الله یشهد حق
سبحانه و تع بچند چیز کواهی میدهد وكفى بالله
شهيدا محمد رسول الله قل كفى بالله شهيدا بيني و بينكم
دیکر افعال و اعمال بندکان کواهی میدهد و الله
یشهد ان المنافقین لكاذبون دیکر بر وحدانیت
خود کواهی میدهد که شهد الله انه لا اله الا هو و اما
درین معنی بشنو که اسحق ثعلبی روایت میکند که
یکی از بزرکان درین بکوفه رسید بنزدیک اعمش
نزول کرد شبی اعمش قرآن میخواند بدین آیت
رسید که شهد الله و انا اشهد الله و استودع الله
هذه الشهادة و هي عند الله ودیعة چون نماز
صبح کذاردیم کفتم یا محمد شنیدم که این کلمات میکفتی
مرا خبر ده کفت و الله لا اخبرك و درین معنی
چنین آورده اند که روز قیامت خدای تعالی
کوید یوم القیمة فیقول الله تع ان لعبدی هذا عندی

عهداً
وانا احق من وفی بالعهد ادخلی الجنة گفت که روز
قیامت حق جل وعلا بگوید که این ودیعة عهدی
است بندهٔ مرا با من ومن اولیتر بوفاء عهد
در بهشت رو کرام ورکه خواهی در رو بخوان شهد الله
اما شهادت در اصل لغت چنانست که شهد فلان
یعنی بین واعلم اما شاهد بوزن فاعل است
وشهید بوزن فعیل است وگواه را شاهد گویند
جهت آنکه اعلام کند وخبر دهد وانرا که کافران
کشته باشند شهید گویند ودرین معنی فرموده
اند که شهد الله یعنی ای شهد بما کنت فی اللوح
المحفوظ ابن عباس روایت میکند که اول ما کتب
الله فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا انا
محمد رسولی من استسلم بقضایی وصبر علی بلایی
وشکر نعمایی کتبته صدیقا وبعثته مع الصدیقین
ومن لم یصبر علی بلایی ولم یشکر نعمایی فلیطلب

رتّابا سواه ثم شهد بنفسه لنفسه قبل خلق الارزاق
باربعة آلاف سنة وخلق الارواح بعد الارزاق
باربعة الاف سنة وخلق الاجساد بعد الارواح
باربعة الاف سنة ثم قال شهد الله انه يعني اخبر
الله بما كتب في اللوح المحفوظ و گفته اند که شهد الله
بما ركز في العقول ووضع من الدلالة اما بدانكه
شهادت در قرآن بر سه نوعست شاهد نطق
و شاهد صدق و شاهد حق شاهد نطق بجاست
اینست که وراودته التي في بيتها عن نفسه وغلّقت
الابواب در سورة یوسف عم زلیخا در خلوت
از یوسف تقاضا کرد ویوسف علیه السلام
بکریخت وخصومت گشت بیراهن در ید شد
زلیخا بمکر و عذر بیش دستی کرد و بدروغ شکایت
اغاز کرد قال الله تعالی فا جزاء من اراد باهلك
سوءا الا ان یسجن او عذاب الیم عالمیان دریں

معنی درماندند که حق بدست کیست حق جل وعلا
بقدرت خویش آشکارا کرد قال الله تعالی انطقنا
الله الذی انطق کل شیء در بیت باب طفل شیر
خواره را در کهواره بنطق آورد تا بپاکی یوسف
وناپاکی زلیخا گواهی داد که قمیصه قد من دبر
فکذبت فهو من الصادقین این ابتداء شاهد
نطق گویند اما شاهد صدق کجاست قال الله
تعالی حتی اذا جاؤها شهد علیهم سمعهم وابصارهم
بوقت مرگ که علم الیقین عین الیقین شود
ودر قیامت که بعضی را مهر بر دهان نهاده
ودست وپا بروی گواهی میدهد قال الله تعالی
الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم
وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون یوم
تشهد علیهم سمعهم وابصارهم این آیت را
شاهد صدق گویند اما شاهد حق کجاست

شهد الله انه لا اله الا هو بیان کرد باز نمود اظهار
کرد خبر داد انه لا اله الا هو لا معبود الا هو
لا مسجود الا هو لا مقصود الا هو در قراة درسی
جاست در سورة البقرة لا اله الا هو الرحمن
الرحیم در تیز سوره لا اله الا هو الحی القیوم
ودر اول آل عمران الم الله لا اله الا هو الحی القیوم
وهم در تیز سوره لا اله الا هو العزیز الحکیم
وهم در تیز سوره شهد الله انه لا اله الا هو یعنی
لا مدبر الا هو لا مقدر الا هو لا مصور الا هو
لا منور الا هو وو کا نکی تو دلیل بر یکانکی او
ذات تو دلیل است بر عزت او عجز تو بر قدرت او
ضعف تو بر قوة او نیاز تو بر بی نیازی او
فقر تو بر غناء او فنای تو بر بقای او شهد الله
انه لا اله الا هو اشهد انی اله لا مثل لی واحد
لا ثانی لی باقی لا فناء لی ظاهر لا باطن لی اول

لا آخر

لا آخر لي آخر لا اول لي سميع لا اذن لي بصير
لا حدقة لي متكلم لا لسان لي ملك لا نظير لي
سلطان لا وزير لي صانع لا آلة لي قاهر لا علة لي
بس همچنانکه ملائکهٔ مقرب و علماء مکرم کواهی
داده اند رسمست که اکر در خانهٔ قاضی جماعتی
کواهی دهند اول انکه عالمتر است کواهی دهد
بس دیکران کویند که ما نیز بدین نسق کواهی
دهیم تحقیقت عالمترین همه عالمان حق تعالی
است چنانکه فرموده است عالم الغیب والشهادة
بس ملائکه و علما نیز همچنین میکویند دیکر
معنی والملائکة واولوا العلم را بعضی فرموده
اندکه اولوا العلم یعنی المهاجرین والانصار
و بعضی کفته اند عبد الله بن سلام و اصحاب
وی است و بعضی کفته اندکه العلماء والمؤمنین
قایما بالقسط یعنی ای بالعدل یقال فلان

قایم بامر فلان و یکر ای مدبر له و متعهد لاسبابه
وقایم بحقوقه فالله تع قایم بامر خلقته و متعهد
لاسبابهم و رازق لهم و مجازالاعمالهم یقال
اقسط الرجل یقسط اقساطا یعنی اذا اعدل
کما قال الله تع ان الله یحب المقسطین والحمد لله
رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد واله اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم
ای پاک ز حیز و مبرا ز مکان خالی ز تو نی درون نه بیرون جهان
از کنه تو کس نه نام دارد نه نشان در ستر عماست دید عقل و گمان
عن ابی رزین العقیلی رض انه قال قلت یا رسول الله
این کان ربنا قبل ان یخلق الخلق قال عم کان فی عماء
ما تحته هواء و ما فوقه هواء صدق و راین کلمه جامعه
از مشکاة نبوت بصحت پیوسته است اما معنی آن
بحسب ظاهر از اشکال خالی نیست زیرا که کلمه

اینی

این که در کلام سائل واقع شده در لغت عرب
موضوع است از برای سؤال از مکان و ایضاً
عما که در جواب آن اندراج یافته در معنی
لغت عبارت از سحابی است رقیق و آن از
مقوله جسم است وحال در جسم را جسم می باید
بود یا جسمانی و ایضاً تقیید سؤال به قبل
ان یخلق الخلق مشعر است بآن که حق سبحانه و تع
بعد خلق الخلق در خلق است و آن موهم حلول
و هو سبحانه و تع عن جمیع ذلک علوا کبیرا و شرح
این حدیث بر وجهی که شبهه مرتفع شود و اشکال
مندفع گردد چنانکه از سخنان کبراء دین
و کلمات عظماء اهل یقین مفهوم می شود مبنی
بر مقدمه است و ان آنست که حضرت حق را
سبحانه و تع من حیث توجهه الی عالم الظهور
مراتب و حضراتست مرتبه اول تعیین است

كلي وجملي شامل جميع تعينات ازلية وابدية
وجامع جميع حقايق الهية وكونية اما بي تفصيل
وامتياز بعضي از بعضي وآين را تعين اول كويند
وفوق ان لا تعين واطلاقست مرتبة ثانية تفصيل
وتميز مرتبه اولي است وآين مرتبه را تعين ثاني
خوانند ودرين مرتبه حقايق الهي وكوني ازيكديكر
ممتاز اند حقايق الهي را وحدتيست حقيقي وكثرتي
نسبي وحقايق كوني را بعكس ان كثرتيست حقيقي
ووحدتي نسبي ودرين دو مرتبه حقايق كونية
را اصلا از وجود خارجي نصيبي نيست ومتعدد
ومتميز نيستند بتعدد وتميز خارجي مرتبة ثالثة
عالم ارواح مجردة بسيط است كه ادراك آن
مقصور نيست جز قوة عقلية را بمشاهدة آثار
واحكام ان مرتبة رابعه عالم مثال است كه آلت
ادراك ان خيالست مرتبة خامسه عالم حس

وشهادت

وشهادت است که مدرک می‌شود بحواس ظاهره
مرتبه سادسه احدیت جمع جمیع مراتب است
وآن مرتبهٔ انسان کامل است وچون هر یکی
ازین مراتب بمنزلهٔ محل ومکانی است مرحقیقه
مطلقه را پس بر سبیل شبه ومجاز بکلمهٔ این
ازان سؤال توان کرد وچون ان سؤال تقیید
یابد به قبل ان یخلق الخلق مقصود ازان مرتبه
تواند بود از مراتب الهیه که مقدم باشد بتقدم
ذاتی ومراتب خلقیه اما تقدم میلی واسطه و
وشک نیست که ان مرتبه تعیین ثانی است
چنانکه مذکور شد ومراد بعما که در جواب سؤال
واقع شده است ان مرتبه است نه معنی متعارف
لغوی ولهذا هوا را که از لوازم آنست از فوق
وتحت نفی فرموده ومناسبت بین المعنیین
آنست همچنانکه سحاب رقیق حاجب وساتر

افتاب نمی شود همچنین کثرت حقایق الهی و کونی
درین مرتبه ساتر وحدت حقیقی نمی شود زیرا که
کثرت حقایق الهی نسبی است نه حقیقی و کثرت
حقایق کونی اگرچه حقیقی است اما علمی غیبی است
نه خارجی شهادی بخلاف مراتب خلقیه که کثرت
آن هم حقیقی و هم خارجی شهادی و از بعضی مواضع
اطلاقات این طایفه چنان معلوم می شود که
مرتبهٔ ثانیه را عبارت از مرتبهٔ اولی داشته اند
و آن بحسب ظاهر موافق حدیث نبوی نمی نماید
مگر آنکه خلق را که در حدیث واقع شده است
بمعنی تقدیر دارند نه ایجاد و مراد باو تعیین
هر یک از حقایق و ماهیات باشد بر قدری مخصوص
و اندازه معین از استعداد و قابلیت و شک
نیست که این معنی در مرتبهٔ ثانیه است و مرتبه
مقدم بر ان مرتبه اولی و هو سبحانه اجل و اعلی

بخیر

خوشی انکه رسید کاه باسرار قدم ٭ چون در نظر آورند این پاره رقم
هر حرف خطا که جسته باشد ز قلم ٭ شویند باب عفو باران کرم

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین ٭
الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد واله
اجمعین این رساله از اداب طریقت است که شیخ
الشیوخ سلطان المشایخ قطب الاولیا صاحب
مقامات العلیة والکرامات السنیة والواردات
الغیبیة والمکاشفات القدسیة خواجه عبد الخالق
الغجدوانی قدس الله روحه العزیز ٭ سالکی از سالکان
طریقت را بجوامع الکلم امر کرده است وگفته اند
ان سالک خواجه اولیاء کلان بوده است رحمة الله علیه
واو از کاملان طریقت بوده است چون مرد سالک
باین دقایق موصوف شود از سر چشمه معرفت
قطره در کام جانش چکانند تا ابد مست حضرت

کرد دکه جمله هوشیار ان طالب این مستی اند الهی

ازان اسراری که بر جانهای پاکان کشف کرد و بی

شمهٔ نصیب ما بیچاره کان کرد ان شیخ قدس الله

روحه مر سالک طریقت را اول بتقوی امر کرده است

ازانکه اول مقامات سالکان طریقت تقوا است

فرموده یا بنی ای پسر که من ترا وصیت میکنم

که تقوی را شعار خود سازی و وظایف عبادات

را ملازمت کنی و مراقبهٔ احوال خود کنی و دایم از

حق تعالی ترسان باشی و حقوق خدا را جل جلاله

و حق رسول را صلی الله علیه و سلم ادا کنی و حق

مادر و پدر را نگاه داری و حق جمیع مشایخ را

نگاه داری که باین خصلتها برضای حق تعالی

مشرف شوی و فرمان خدا را نگاه داری تا حق تعالی

حافظ تو شود و بر تو باد که خواندهٔ قرآن را معانی

خواه ظاهره و خواه باطنه در مصحف نظر کن و بر خوان

در آشکار و نهان و قرآنرا با تدبر و تفکر و حزن
و گریه برخواه و در جمیع احوال بقرآن باز گرد
که حجة حق تعی بر خلق قرآنست و یک قدم از طلب
علم دور مشو و علم فقه و حدیث بیاموز و از
صوفیان جاهل دور باش که ایشان دزدان
دین اند و راه زنان مسلمانان اند و بر تو باد که
ملازمت سنت کنی و بر مذهب ائمة سلف باشی
که هرچه محدث است کراهیست و با جوانان
و زنان و اهل بدعت و توانگران صحبت مدار که
دین ترا ببرند و از دنیا بدو گروه راضي باش
و از آدمیان بدو فقیر صحبت دار و ملازم خلوت
خود باش و حلال خور که مفتاح خیر است و از
حرام دور باش تا فردا آتش نسوزدت و حلال
نوش تا حلاوت طاعت یابي و دایم از جلال حق
ترسان باشی و فراموش نکنی که روزي در موقف

حساب خواهی استاده و نماز در شب و روز
بسیار گزار و جماعت را ترک مکن نی انکه امام باشی
یا مؤذن و در قبالها نام خود را منویس و در محکمه
قضا حاضر مشو و با سلطان صحبت مدار
و در وصیتهای مردمان درمیا و از مردمان
بگریز همچنانکه از شیر گریزند و بر تو باد که
کم نام باشی تا دین بباد ندهی و بر تو باد که سفر
کنی تا نفس تو خوار شود و دلهای مشایخ را نگاه دار
و خانقاه بنا مکن و در خانقاه ساکن مشو و بمدح
کسی مغرور مشو و بمذمت خلق غمگین مشو و باید که
مدح و ذم خلق بنزدیک تو یکسان باشد و با خلق
بحسن خلق زندگانی کن و بر تو باد که با ادب باشی
در جمیع احوال با هر نیک و بدی و بر جمیع خلق رحمت
کنی با خرد و کلان ایشان و بر تو باد که نخندی که
خندیدن از غفلت است و دل را بمیراند مصطفی

صلی الله

صلی الله علیه وسلم فرموده است که اگر آنچه فرموده
است که اگر آنچه من دانم شما دانید اندک خندید
و بسیار گریید و از مکر حق تعالی ایمن مباش و از
رحمت حق تعالی نومید مشو میان خوف و رجا زندگانی
کن که سالکان راه را این دو مقام است گاه خوف
وگاه رجا باز شیخ فرمود که ای پسر که مر شیخ
مرید را بمنزلهٔ پدر است و فرزند را از پدر
مشفق تر که او را بمقام قرب می رساند اگر توانی
زنهار مخواه که طالب دنیا شوی و در طلب دنیا
دین تو برود اگر نفس تو مشتاق بود باید که دایم
در مجاهده باشی و دایم در غم آخرت باشی و مرگ
را بسیار یاد کنی و طالب ریاست نباشی که هر که
ریاست را دوست دارد وی را سالک طریقت
نشاید گفتن و بر تو باد که دایم در صوم باشی
که روزه نفس را سرکوفته می دارد و در معده

پاکیزه باش و با پرهیز و سبک بار باش از دنیا
و با دیانت و با ورع باش و فقیه و عالم و ثابت
باش در راه خدای عز و جل و از صوفیان
جاهل دور باش و مشایخ را هم بمال و هم بتن
و هم بجاه خدمت کن و دلهای ایشان نگاه دار
و اقتدا بایشان کن و سیر و سلوک ایشان نگاه
دار و هر چیز را که از مشایخ ببینی انکار مکن مگر
آنکه مخالف شریعت بود که اگر انکار کنی مشایخ را
هرگز رستکاری نیابی و از مردمان چیزی مخواه
و فردا را ذخیره مکن و اعتقاد بر ضمان حق تعالی
کن که می فرماید و ما من دابة فی الارض الا علی الله
رزقها و در مقام توکل قدم نه که حق تعالی می فرماید
که و من یتوکل علی الله فهو حسبه هر که بر خدای تعالی
توکل کند خدای عز و جل او را بسنده است و بدانکه
رزق مقسوم است جوامرد باش و هرچه حق تعالی

ترا داده است با خلق او بذل کن و از بخل و حسد
دور باش که بخیل و حاسد فردا در دوزخ باشند
و ظاهر خود را مآرای که آراستن ظاهر از خرابی
باطن است و اعتماد کن بر وعدهٔ حق تعالی
و از جمیع خلایق نومید شو و با ایشان انس
مگیر و حق گوی و مترس و دایم با حق باش
و با هیچ کس از مخلوقات صحبت مدار که از حق
تعالی دور افتی بر تو باد که ملازمت حاجت
نفس خود کنی و نفس خود را عزیز داری و آنچه
ترا گزیر است زیاده درکشی و دایم خلق را نصیحت
کنی و بر تو باد که طعام و شراب کم خوری و کم خسپی
و کم گویی و زینهار چیزی مخور مگر که محتاج باشی
بطعام و سخن مگوی مگر بضرورت و مخسپ مگر
خواب غلبه کند تا که ساعتی بخسپی و نماز در شب
و روز بسیار گذار و در سماع بسیار منشین

که سماع نفاق پدید آرد و بسیاری سماع
دلرا بمیراند و بر سماع انکار مکن که سماع را
اصحاب سماع بسیارند و سماع روا نبود
مگر کسی را که دل وی زنده بود و تن مرده بود
هر کرا این حالت نبود بروزه و نماز مشغول باشد
او لیتر بود و باید که دل تو دایم اندوهگین بود
و بدن تو بیمار بود و عمل تو خالص بود و دعای
تو بمجاهده بود و جامهٔ تو کهنه بود و رفتن تو
باید که درویش بود و باید که خانهٔ تو مسجد
بود و مال تو فقر بود و آرایش تو زهد بود
و مونس تو خدای بزرگ بود و هیچ کس را به برادری
قبول مکن تا پنج خصلت در وی نه بینی اول انکه
فقر را بر غنا گزیند دوم انکه علم را بر عمل دنیا
گزیند سیم انکه خواری را بر عزت گزیند چهارم
بینا بود بعمل سنت و علانیه و پنجم انکه مستعد

بودم مرگ را باز فرمود ای پسرک من مغرور
نکند ترا دنیا و شب و روز آماده رحلت کن
از دنیا و بر تو باد ذکر در خلوت تنها باشی
و شکسته دل باشی از خوف حق تعالی تا در کرامت
مستغرق باشی و در دنیا چنان زی که گویی
غریبی و از دنیا همچنان مجرد و پاک و بیرون
رو که فردا نمی دانی که از کدام طایفه خواهی
بودن باز فرمود ای پسرک من نگاه دار و یاد
دار این وصیتهای مرا همچنان که من یاد گرفتم
از شیخ خود قدس الله روحه این وصیتها را
و عمل کردم تو نیز این وصیتها را یاد دار و
و عمل کن حق تعالی ترا در دنیا و آخرت نگاه دارد
اگر این صفات که ذکر کرده شد در سالکی از
سالکان راه پدید آید مرتبهٔ شیخی او را شاید هر که
با او اقتدا کند او را بمقصد و مقصود رساند

این مرتبه هر کس را مسلم نشود سالک این
راه خواجهٔ اولیاء کلان قدس الله روحه می گوید
آنگاه که خواجه عبد الخالق غجدوانی نور الله
تربته مرا این وصیتها می کرد و دست مرا گرفته
بود و کف شیخ در کف من بود بعد از تمام وصیتها
شیخ بدین سخن ختم کرد و مرا گفت بر تو باد که
ملازم مسجد من باشی تا زنده باشی و باید که
در ترک کردن مسجد عذر تو روشن باشد
و این حجت بود مر ترا فردای قیامت امنا وصدقنا
الهی همه را باین خصلتهای پسندیده مشرف
گردان و آن اسراری که بر جانهای پاکان
کشف کردی شمهٔ بر ما مکشوف کردان و خاتمه
ما را بخیر کردان و صلی الله علی خیر خلقه محمد
واله اجمعین امین یا رب العالمین ٥ ٥
گفته اند که شیخ ابو العباس قصاب رحمة الله علیه

حضرت

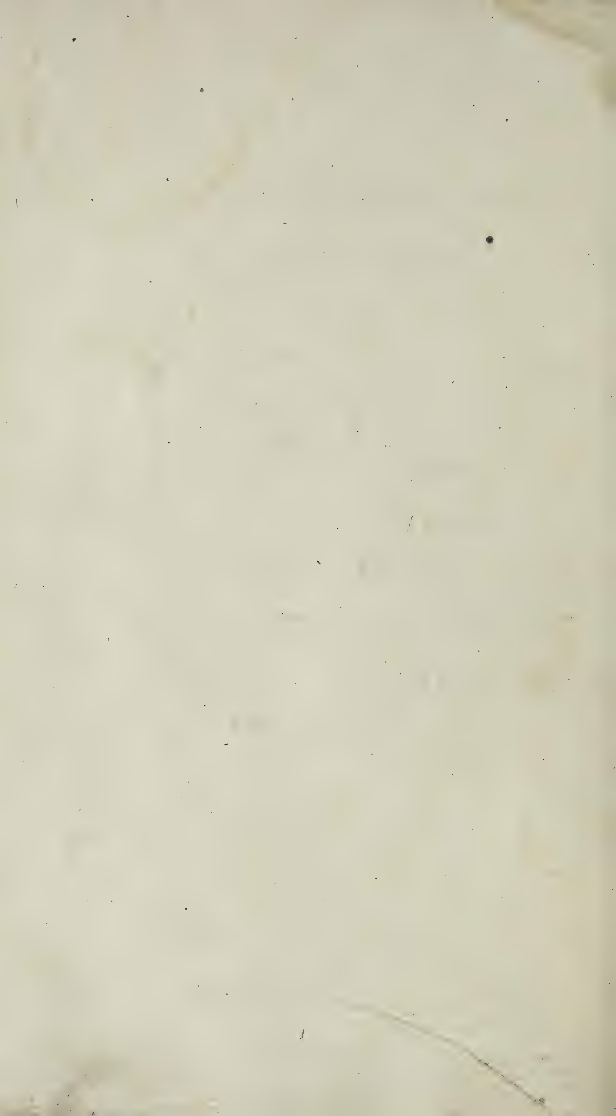
حضرت رسول را صلی الله علیه وسلم در واقعه
دید گفت یا رسول الله مرا وردی تعلیم کن
که مداومت نمایم بستر ولایت برسم رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که این رباعی را ورد خود
ساز شیخ مداومت نمود بمقصود رسید
بعد از ان شیخ فرمود که هرکه هر روز هفت بار
و شب هفت بار بخواند این رباعی را اگر ستر
ولایت در باطن او فرود نیاید گو استخوانها
مرا از قبر بیرون آر و بسوز رباعی اینست
ای خدا من الله الله مین تم ٭ بر در تو شیئ لله مینم
ای خدا سوی خودم راهی نما ٭ زانکه من گمراهم و مسکینم
خواجه عبد الله انصاری رحمة الله علیه فرموده
اندکه زندگانی بر مرگ وقتی ترجیح داشته باشی
بدین ده خصلت کار کنی ٭ با حق بصدق ٭
با نفس بقهر ٭ با خلق بانصاف ٭ با علما بتواضع

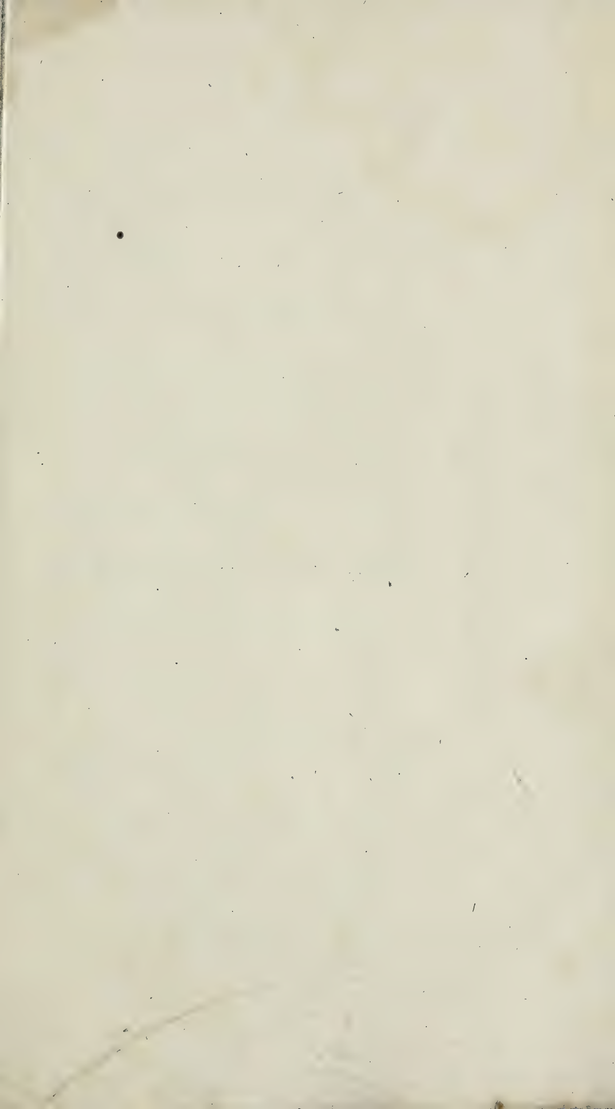
با بزرگان بخدمت، با زیردستان بشفقت
با دوستان بنصیحت، با دشمن بحلم، با درویش
بسخاوه با جاهل بخاموشي در روایت
معروفست ومشهور که حکیم محمد ترمذي هزار بار
حق تع را درخواب دید وهر بار که بدیدي گفتي چه
کنم تا ایمان بسلامت برم هر بار این ندا شنیدي
درمیان سنت وفرض نماز بامداد این دعا خوان
دعا اینست، یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال
والاکرام یا لا اله الا انت اسئلك ان تحیي قلبي بنور
معرفتك یا الله یا حي یا قیوم یا صمد برحمتك یا ارحم
الراحمین لعسر الولادة یکتب ویشرب
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم یا مخرج النفس من النفس
ویا مخلص النفس من النفس خلصها من عسر الولادة
بحرمة اسمائك الحسنى كلها وبحرمة محمد صلى الله
علیه وسلم وبحرمة ابي بكر وعمر وعثمان وعلي كانهم یوم

یرونها

يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها دعاء
سرخ باد بروايت وهب بن منبة از رسول عم
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله والله
اكبر ايها الملكان الاكبران واعوذ بالله عما قضى
الله ربي وربكما وخالقي وخالقكما من جميع
الآفات والعلل والجنون وبهذه الاسماء العظام
والجلال والجبروت سبحانه تسبيحا يملاء اقطار
السموات والارض قاهر يقهر الجبارين جبار
وبالجبروت والعظمة معروف حكيم وبالحكمة
مشهور كريم وبالكرم مألوف سبحانه تسبيحا
من عذاب البدن عن شر ريح الاحمر في النفس والبدن
والدم والمرضى واللحم والشحم والعروق والعظام
والعصب والروح روحه فسبحانه اذا قضى
امرا فانما يقول له كن فيكون وصلي الله على محمد
واله اجمعين قال النبي عم من اراد ان يوشح عليه

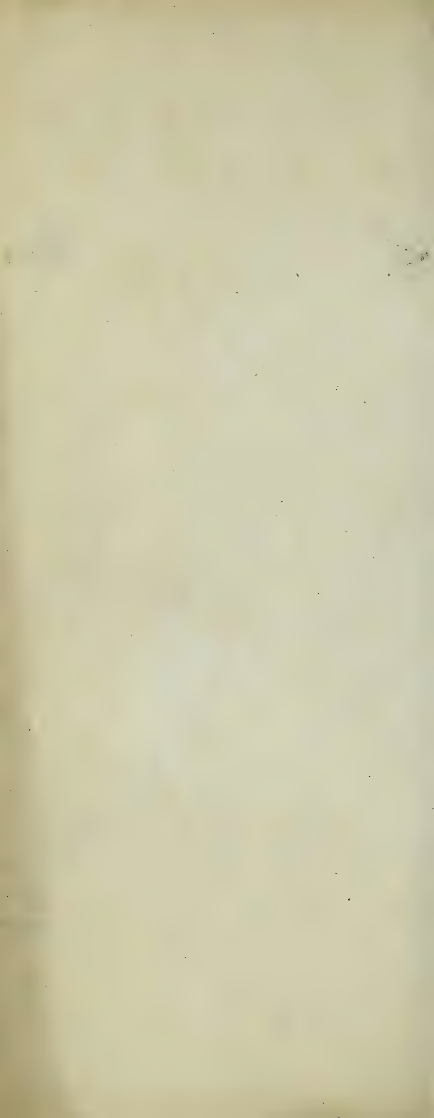
الرزق فليكتب هذا الدعاء ويعلقه على نفسه
او يكتب في منزله او يقراه في كل يوم ثلث مرات
يا الله يا الله يا الله يا رب يا رب يا رب يا حي
يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام اسالك باسمك
الاعظم ان ترزقني حلالا رزقا طيبا برحمتك الواسعة
يا ارحم الراحمين قال النبي عم والذي بعثني
نبيا من كتب هذا الدعاء ويعلقه على نفسه
او يقراه دفع الله عنه وعن شيعته من عقب عقبة
الفقر كذا وجد بخط شمس الايمة الكردري
روي عن المشايخ الكبار من قرا هذه الاسماء والاية
احدي واربعين مرة يحصل مراده انشاء الله دينويا
كان او اخرويا بسم الله الرحمن الرحيم يا قاهر يا قادر يا ظاهر
يا باطن يا لطيف يا خبير قوله الحق وله الملك
يوم ينفخ في الصور عالم الغيب والشهادة
وهو الحكيم الخبير



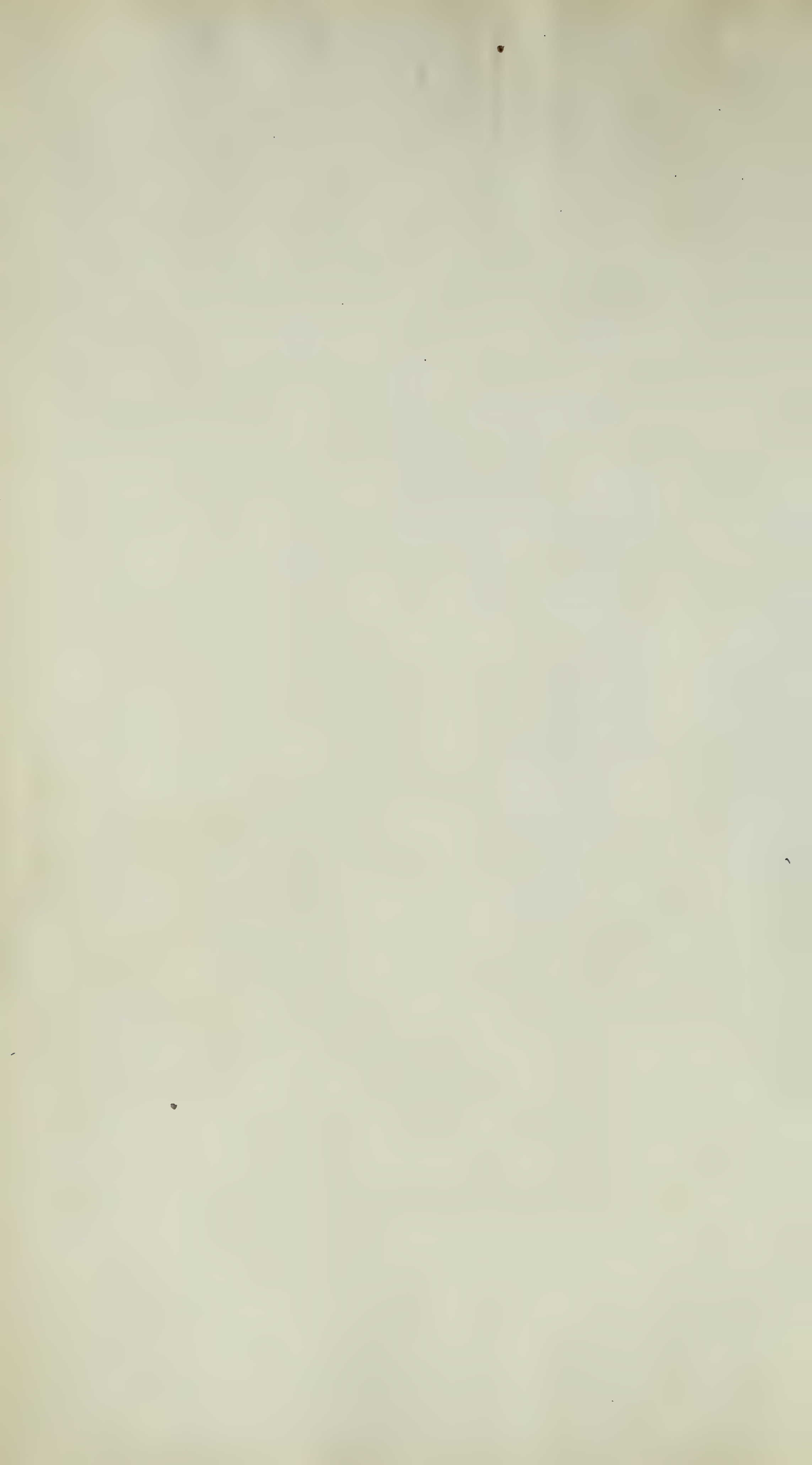


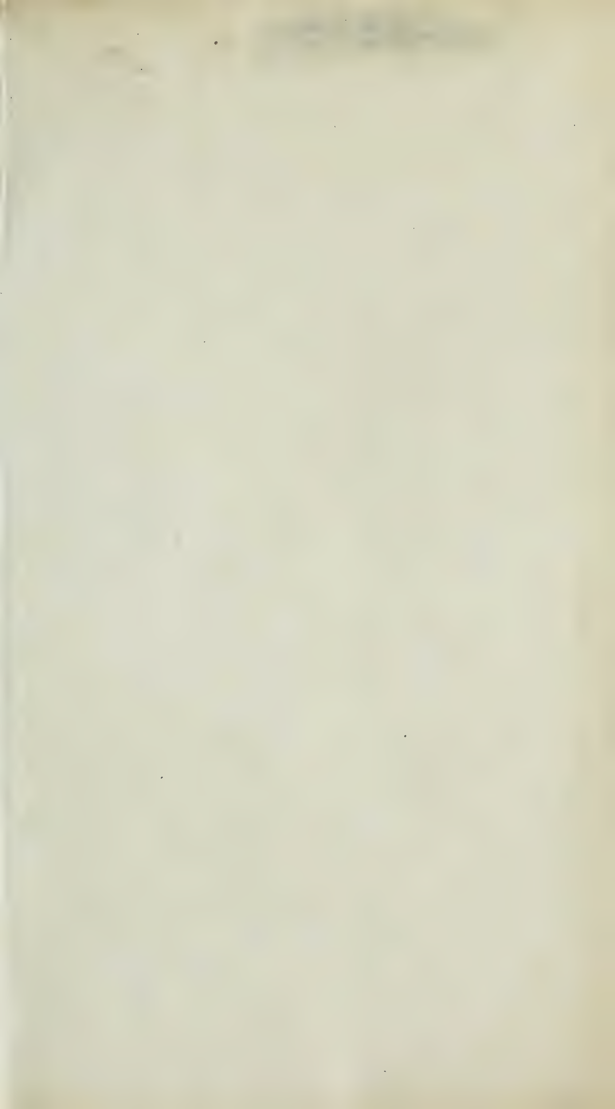


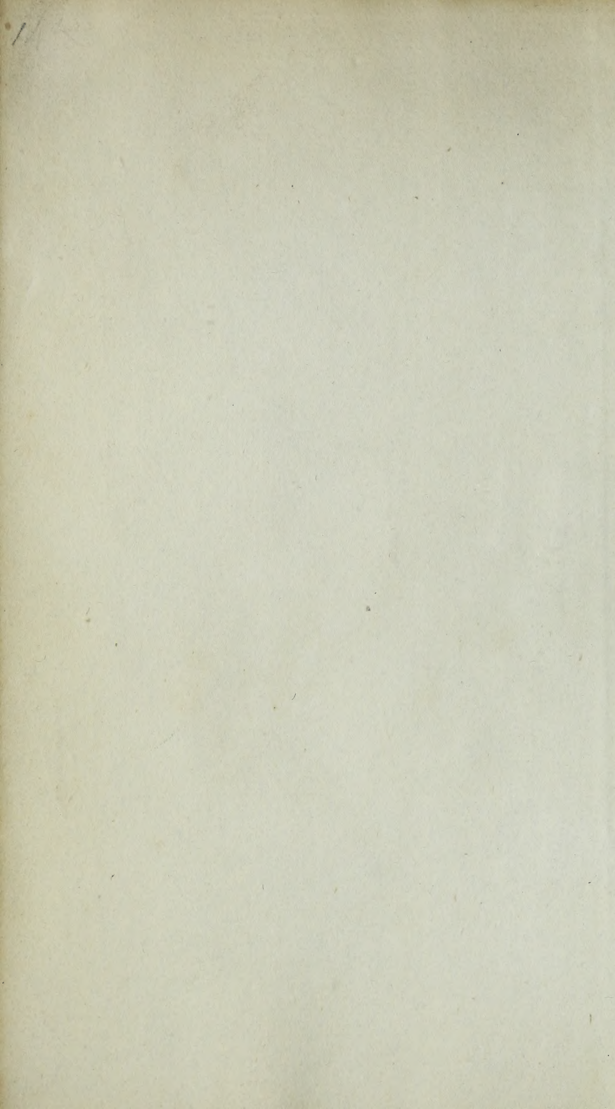




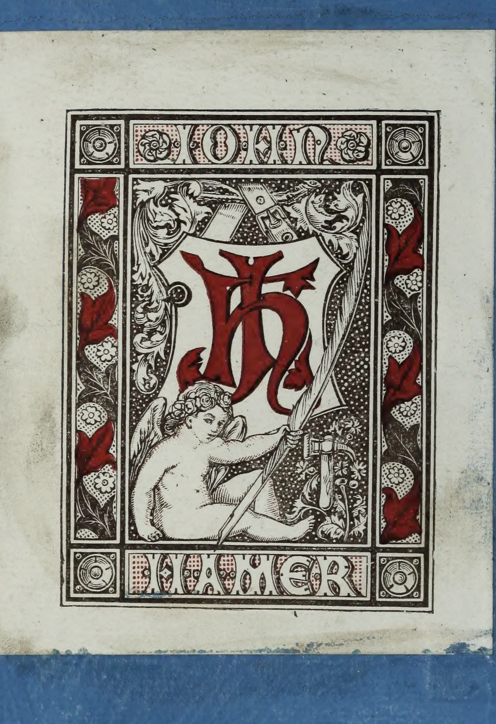











IOHN
HAMER

